



اختیار است اختیار است

اختیار

زهرا لطفی
دبیر شهرستان رباط کریم

بررسی موضوع اختیار

در قرآن کریم

چکیده

از آنجا که درس ششم دین و زندگی سال چهارم دوره متوسطه به بحث پیرامون اختیار و ارتباط آن با توحید افعالی و تأثیر این اعتقاد در زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد و آیاتی را دال بر وجود اختیار آدمی ذکر می‌کند، همواره دانش‌آموزان این سؤال را مطرح می‌کنند که ما در قرآن با آیاتی مواجه می‌شویم که بر جبر دلالت دارند و به نظر می‌رسد با آیاتی که دال بر اختیار هستند در تعارض‌اند. شما این دو دسته آیات را چگونه توجیه می‌کنید؟

بر آن شدیم این سؤال را که از جمله شبهات اشاعره در زمینه جبر و اختیار نیز هست، از زبان متکلمان دینی پاسخ دهیم، باشد که موجب عنای ادله عقلی و نقلی در پاسخ به این سؤال گردد.

◀ **کلیدواژه‌ها:** اختیار، شبهه، اشاعره، تأویل

شبهه اشاعره و پاسخ خواجه نصیرالدین طوسی

اشاعره، که از جمله فرق کلامی اسلام هستند، معتقدند انسان اختیار ندارد و آفریننده عمل خود نیست بلکه اعمال او مخلوق خداوند است (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۷۰). از جمله ادله نقلی آنان استناد به آیاتی است که دلالت بر جبر دارند؛ مانند «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (الزمر/

۶۲ و الرعد/۱۶): خداوند خالق هر چیزی است، «حَتَّمُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (البقره/۷): خداوند بر قلب‌های آن‌ها مهر نهاد و «وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا» (الانعام/۱۲۵): آن کس را که خداوند بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را تنگ می‌کند) «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ» (الصافات/۹۶): خداوند شما را و آنچه انجام می‌دهید، آفرید (شیروانی، ۱۳۸۸، ۱۱۷).

استاد مطهری معتقد است که اصل اختیار و آزادی در شیعه تا اندازه‌ای شبیه است به آنچه معتزله به آن معتقدند ولی فرق است میان آزادی و اختیاری که شیعه بدان قائل است با آنچه معتزله می‌گوید. اختیار و آزادی معتزله مساوی است با «تفویض» یعنی واگذاشته شدن انسان به خود و معزول بودن مشیت الهی از تأثیر و این البته محال است.

اختیار و آزادی مورد اعتقاد شیعه به این معنی است که بندگان، مختار و آزاد آفریده شده‌اند اما بندگان مانند هر مخلوق دیگر به تمام هستی و با تمام شئون هستی و از آن جمله شأن فاعلیت، قائم به ذات حق و مستمد از مشیت و عنایت او هستند. این است که اختیار و آزادی در مذهب شیعه، حد واسطی است میان جبر اشعری و

اشاعره، که از جمله فرق کلامی اسلام هستند، معتقدند انسان اختیار ندارد و آفریننده عمل خود نیست بلکه اعمال او مخلوق خداوند

است



تفویض معتزلی و این است معنی جمله معروفی که از ائمه اطهار رسیده است: «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الأمرین» (مطهری، ۱۳۶۲، ۱۸۱).

خواجه نصیرالدین طوسی، فیلسوف و ریاضی‌دان معروف و صاحب کتاب «تجریدا الاعتقاد»، از متکلمان به نام قرن هفتم قمری است که توانست علم کلام را از سبک حکمت جدلی به سبک حکمت برهانی نزدیک گرداند. ایشان در این کتاب با بیانی موجز به تقریر شبهات سایر فرق کلامی و پاسخ به آن‌ها پرداخته است.

خواجه - علیه الرحمه - در خصوص شبهه اشاعره در مسئله جبر و اختیار چنین پاسخ می‌دهد: «والسمع متأول و معارض بمثله و الترجیح معنا» یعنی آیات اختیار بسیار است و بر آیات جبر ترجیح دارد؛ زیرا دلیل عقلی و وجدان و حس، اختیار را تأیید می‌کند. پس باید آیات جبر را تأویل کرد؛ یعنی، حمل بر معنایی کرد خلاف ظاهر جبر، و علمای تأویل هر یک را در جای خود نوشته‌اند (کشف‌المراد، ۱۳۷۶).

علامه حلی، شارح معروف تجرید، در کتاب «کشف‌المراد» بیان می‌دارد که متکلمان شیعه آیاتی را که دلالت بر اختیار دارند، به ده دسته تقسیم کرده‌اند که در زیر به هر یک اشاره می‌شود (شیروانی، ۱۳۸۸):

آیاتی که دلالت بر اختیار انسان دارند

۱. آیات دال بر اضافه (و نسبت) فعل به بندگان؛
۲. آیات دال بر ستایش مؤمنان بر ایمان و نکوهش کافران بر کفر و آیات دال بر وعده و وعید؛
۳. آیات دال بر منزه بودن افعال خداوند از افعال بندگان؛
۴. آیات دال بر نکوهش بندگان بر کفر و گناهان و توبیح آنان بر این کارها؛
۵. آیات دال بر تحدید و تخییر [و انتخاب]؛
۶. آیات دال بر شتاب به سوی کارهای نیک، پیش از فوت شدن آن‌ها؛
۷. آیات دال بر تشویق افراد برای یاری جستن از خویش و ثبوت لطف خداوند؛
۸. آیات دال بر استغفار پیامبران؛
۹. آیات دال بر اعتراف کافران و گناهکاران به انتساب کفر و (گناه) به خود ایشان؛

۱۰. آیات دال بر حسرت خوردن و پشیمانی بر کفر و گناه و درخواست بازگشت.

آیاتی که دال بر اضافه و نسبت فعل به انسان دارند

۱. «حَتَّىٰ يُعْزَّبُوا مَا يَنْفُسِهِمْ» (الانفال / ۵۳): تا آنکه آنان خودشان را تغییر دهند.
۲. «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (یوسف / ۱۸): نفس شما این کار را برای شما آراسته است.
۳. «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» (النساء / ۱۲۳): هر کس کار بدی کند، به آن جزا داده می‌شود.
۴. «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (المدثر / ۳۸): هر نفسی در گرو چیزی است که به‌دست آورده است.

آیات دال بر ستایش مؤمنان بر ایمان و نکوهش کافران بر کفر و آیات دال بر وعده و وعید

۱. «الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (الجاثیه / ۲۸): امروز آنچه انجام می‌داده‌اید، به صورت پاداش به شما برگردانده می‌شود.
۲. «وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى» (النجم / ۳۷): و ابراهیم، همان کس که وظیفه خود را به‌طور کامل انجام داد.
۳. «لِيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» (طه / ۱۵): برای آنکه هر کس در برابر تلاش‌هایی که کرده است جزا داده شود.
۴. «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (الانعام / ۱۶۰): هر کس حسنه آورده است ده چندان به او پاداش داده خواهد شد.
۵. «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» (البقره / ۸۶): آنان همان کسانی هستند که زندگانی دنیا را به بهای آخرت خریدند.
۶. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُعَدُّونَ إِيْمَانَهُمْ» (آل عمران / ۹۰): همانا کسانی که بعد از ایمان آوردنشان کفر ورزیدند.

آیات دال بر منزه بودن افعال خداوند از آدمی

این دسته از آیات به بیان تنزیه افعال خداوند از افعال انسان می‌پردازد و ذکر می‌کند که افعال خداوند مانند افعال ما ناقص و معیوب و مختلف و ظالمه نیست؛ زیرا اگر افعال به‌طور مطلق مستند به خداوند بودند، می‌بایست دارای صفات و ویژگی‌های افعال خداوند باشند. حال آنکه چنین نیست. این آیات عبارت‌اند از:



خواجه نصیر معتقد

است آیاتی که

دلالت بر جبر دارند

باید تأویل شوند

و ترجیح با آیات

اختیار است

۱. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (السجده/ ۷): خدا آن کس است که هر چیز را که آفرید نیکو آفرید.
۲. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ (الحجر/ ۸۵): و آسمان و زمین و آنچه را میان آن هاست جز به حق نیافریدیم.
۳. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» (النساء/ ۴۰): همانا خداوند به اندازه سنگینی ذره‌ای نیز به کسی ستم نمی‌کند.
۴. «وَمَا رُبُّكَ بظَلَامٍ لِّلْعَبِيدِ» (الفصلت/ ۴۶): پروردگار تو به بندگان ستمکار نیست.

آیات دال بر نکوهش بندگان بر کفر و گناهان

- خداوند در این دسته از آیات به توبیخ بندگان می‌پردازد. این توبیخ و نکوهش در صورتی موجه است که انسان دو راه در پیش‌رو داشته باشد و توانایی انتخاب یکی از آن‌ها را خداوند به او داده باشد؛ حال آنکه در غیر آن صورت، نکوهش جایز نیست. این آیات عبارت‌اند از:
۱. «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ» (البقره/ ۲۸): چگونه به خدا کفر می‌ورزید؟
 ۲. «وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ» (النساء/ ۳۹): چه می‌شد اگر آنان به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند.
 ۳. «مَا مَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ» (ص/ ۷۵): [ای ابلیس] چه چیز تو را از سجده کردن بازداشت؟
 ۵. «لَيْمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» (آل عمران/ ۷۱): چرا حق را با باطل می‌آمیزند؟
 ۶. «لَيْمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» (آل عمران/ ۹۹): چرا از راه خدا باز می‌دارید؟

آیات دال بر تخییر (و انتخاب)

- این بخش از آیات به‌طور مستقیم به ویژگی اختیار انسان اشاره می‌کند:
۱. «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ» (الکهف/ ۲۹): پس هر که بخواهد، ایمان آورد و هر که بخواهد، کفر ورزد.
 ۲. «وَأَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ» (الفصلت/ ۴۰): هر چه می‌خواهید انجام دهید.
 ۳. «لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ» (المدثر/ ۳۷): برای هر کس از شما که بخواهد پیش افتد یا عقب افتد.
 ۴. «فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ» (المدثر/ ۵۵): پس هر کس بخواهد، از آن پند گیرد.

۵. «فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (المزمل/ ۱۹): پس هر کس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند.

آیات دال بر شتاب به سوی کارها [ی نیک] پیش از فوت شدن آن‌ها

۱. «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَعْفَرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» (آل عمران/ ۱۳۳): سرعت بگیرید و [بشتابید] به سوی بخشایش از سوی پروردگارتان.
۲. «أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ» (الاحقاف/ ۳۱): دعوت‌کننده الهی را اجابت کنید.
۳. «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ» (الانفال/ ۲۴): خدا و پیامبر را اجابت کنید.

آیاتی که بر یاری از خداوند دلالت دارد

- خداوند در این بخش از آیات، که بر ثبوت لطف او نیز دلالت دارد، از انسان می‌خواهد که از او مدد خواهد. فیض الهی شامل همه موجودات می‌گردد اما انسان با قدرت اختیار و انتخاب می‌تواند بر کرات بیشتری را نصیب خود نماید. این دسته از آیات عبارت‌اند از:
۱. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (الفاتحه/ ۵): تنها از تو یاری می‌جویم.
 ۲. «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (النحل/ ۹۸): پس از شیطان رانده شده به پروردگارت پناهنده شو.
 ۳. «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ» (الاعراف/ ۱۲۸): از خداوند یاری بجوید.
 ۴. «أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ» (التوبه/ ۱۲۶): آیا نمی‌بینید که آنان در هر سال یک بار دوبار آزموده می‌شوند؛ آن‌گاه توبه نمی‌کنند و پند نمی‌گیرند.

۵. «وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (زخرف/ ۳۳): اگر [تَمَكَّنَ] کفار از مواهب مادی [سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد [گمراه] شوند، ما برای کسانی که به خدای رحمان کافر می‌شدند، خانه‌هایی قرار می‌دهیم تا سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی که از آن بالا روند.

آیات دال بر استغفار پیامبران از ترک اولی

۱. «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا» (الاعراف/ ۲۳): پروردگارا، ما به خود ستم کردیم.

افعال خداوند
مانند افعال ما
ناقص و معیوب و
مختلف و ظالمه
نیست؛ زیرا اگر
افعال به‌طور مطلق
مستند به خداوند
بودند، می‌بایست
دارای صفات و
ویژگی‌های افعال
خداوند باشند.
حال آنکه چنین
نیست



۲. «سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (الانبیاء/۸۷):
 پروردگارا، منزهی، من از ستمگران بوده‌ام.
 ۳. «زَبَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي» (القصص/۱۶): پروردگارا،
 من به خود ستم کرده‌ام.

آیات دال بر اعتراف کافران و گناهکاران به انتساب کفر [و گناه] به خود ایشان

۱. «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ * بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ» (السبأ/۳۱-۳۲): اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان [برای حسابرسی] ننگه داشته شده‌اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازند [از وضع آن‌ها تعجب می‌کنی!]. مستضعفان به مستکبران می‌گویند اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم اما مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند آیا ما شما را از هدایت واداشتیم پس از آن که به سراغ شما آمد [و آن را به خوبی دریافتید؟] بلکه خود شما مجرم بودید.



در قرآن کریم آیاتی که

نسبت‌دهنده افعال

انسان به خود او

هستند و به انجام

اعمال نیک، پاداش

و وعده بهشت و

به انجام اعمال

زشت، وعده جهنم

می‌دهند، دلالت بر

اختیار انسان دارند

۲. «مَا سَأَلْتَكُمْ فِي سَفَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُضِلِّينَ» (المدثر/۴۲-۴۳): چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می‌گویند ما از نمازگزاران نبودیم.
 ۳. «كَلَّمَا أَلْفَيْ فِيهَا فَوْجٌ...» (الملک/۸): و هر زمان که گروهی در آن افکنده می‌شوند، نگهبانان دوزخ از آن‌ها می‌پرسند: مگر بیم‌دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟ می‌گویند: آری، بیم‌دهنده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم خداوند هرگز چیزی نازل نکرده است و شما در گمراهی بزرگ هستید.

آیات دال بر حسرت خوردن و پشیمانی بر کفر و گناه و درخواست بازگشت

همان‌گونه که در درس ششم دین و زندگی آمده، از جمله شواهد روشن بر اختیار آدمی «پشیمانی» است و این به آن معناست که آن اشتباه به اراده و اختیار ما بوده است. در این بخش به این قسم از آیات اشاره می‌کنیم:
 ۱. «وَهُمْ يَضْطَرُّونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا» (الفاطر/۳۷): و آنان که در آتش فریاد برمی‌آورند پروردگارا، ما را بیرون آور تا عمل صالح انجام دهیم.

۲. «زَبَّ أَرْجَعُونَ...» (مؤمنون/۹۹ و ۱۰۰): پروردگارا، مرا بازگردان شاید در آنچه ترک کردم عمل صالحی انجام

دهم.

۳. «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُسِهِمْ» (سجده، آیه ۱۲): و اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده می‌گویند: پروردگارا، آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته انجام دهیم.

۴. «أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَىٰ الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً» (زمر/۵۸): یا هنگامی که عذاب را مشاهده می‌کند، بگوید: ای کاش بار دیگر به دنیا بازمی‌گشتم تا از نیکوکاران باشم.

نتیجه

با بررسی آیات فوق درمی‌یابیم که قرآن کریم ایمان را برپایه تعقل و تفکر گذاشته است و از مردم می‌خواهد از اندیشه به ایمان برسند. خداوند در دسته‌ای از آیات به برخی از صفات خود و تنزیه آن صفات از افعال آدمی اشاره می‌کند تا با تدبیر در آن صفات، انتساب افعال انسان به خود را نفی نماید. در دسته‌ای دیگر از آیات، خداوند انسان را به تدبیر در اعمال خود دعوت می‌کند تا از طریق حس و وجدان و عقل، وجود اختیار در خویش را تأیید نماید و در نهایت دسته‌ای دیگر از آیات به‌طور مستقیم به بیان اختیار در آدمی می‌پردازد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. خواجه نصیرالدین طوسی؛ کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد، چاپ هشتم، شرح از علامه حلی، ترجمه و شرح فارسی: آیت‌الله شعرانی، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۷۶.
۳. شیروانی، علی؛ ترجمه و شرح کشف المراد، جلد اول، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.

مشروح در

[HTTP://ROSHDMAG.IR/WEBLOG/MAAREFESLAMI](http://ROSHDMAG.IR/WEBLOG/MAAREFESLAMI)

